

# هفت گونه وحدت - نگاهی به نوح

## مبارک هفت شمع

نویسنده: شاپور راسخ

کلمه وحدت از کلماتی است که معانی متعددی از آن استنباط میتوان کرد. از یکتائی گرفته تا یگانگی، اتحاد و اتفاق، تنهائی و معانی دیگر که محتاج بحث و تحلیل جداگانه است. وقتی گفته میشود امر بهائی مروج سه وحدت است؛ وحدت خدا، وحدت ادیان و وحدت بشر. کلمه وحدت در هر مورد بمعنای متفاوتی بکار رفته است. وحدت یا وحدانیت خدا بمعنای یکتائی است در حالی که وحدت ادیان بمعنای آن است که ادیان منشاء واحد دارند و اهدافشان مشابه است و بین صاحبان ادیان یا مظاهر الهی پیوستگی و اتحاد هست و بقول مولوی " متحد جانهای مردان خداست" در حالیکه وحدت بشر و یا وحدت عالم انسانی که البته منکر کثرت عناصر ترکیب کننده جامعه بشری نیست معطوف به آینده و بمعنای مشارکت جمیع ابناء انسان در جامعه مشترک المنافع و تمدن و نظم جهانی و نظام ارزشهای اخلاقی و فرهنگی و روحانی متفق علیه است.

لوح مبارک هفت شمع وحدت که ظاهراً مخاطبش بانونی غربی و مسیحی است (که شاید بعداً به امر مبارک ایمان آورده) احتمالاً در سالهای قبل از جنگ جهانی اول عزصورد یافته، بیک تعبیر منشور وحدت عالم انسانی است. لوحی است در غایت اهمیت که برخی باستناد آن آغاز جریان صلح اصغر را در همین قرن حاضر محتوم الوقوع دانسته اند. (۱) مطلبی که البته مورد رسیدگی در این مقاله واقع خواهد شد.

قرنی که در آن هستیم و یک سال دیگر بپایان میرسد در این لوح منیع به "قرن انوار" تعبیر شده: "این قرن انوار عالمی دیگر و قوتی دیگر و نورانیتری دیگر دارد" در حالیکه میدانیم بسیاری از متفکرین معاصر نظر مثبتی در باره این قرن ندارند و بعبارتی چون "خون آلوده ترین سده تاریخ"، "عصر بحران تمدن حسی و مادی"، "عصر بی نظمی و اغتشاش جهانی"، "عصر رجعت عالم به عصر فلز" توصیفش میکنند. چرا حضرت مولی الوری کلمات "قرن انوار" را در وصف این قرن بکار برده اند؟

وقتی به متن لوح مبارک نگاه میکنیم می بینیم جهات امتیاز این قرن یعنی قرن بیستم را در پنج نکته و یک نتیجه گیری خلاصه فرموده اند. میفرمایند:

۱- حال و سائل اتصال (و ارتباط) بسیار و فی الحقیقه قطعات خسته عالم حکم یک قطعه یافته.

۲- امکان سیر و سفر در تمام عالم و "اختلاط و تبادل افکار با جمیع عباد"

۳- نقش تشریفات در اطلاع بر امور و افکار جمیع ملل.

۴- "ملل و دول و مدن و قری محتاج یکدیگر و از برای هیچ یک استغنائی از دیگری نه"

۵- روابط سیاسی بین کل موجود و ارتباط تجارت و صنعت و زراعت و معارف در نهایت محکمی مشهود"

لهذا اتفاق کل و اتحاد عموم ممکن الحصول"

پس تمایز و قوت و نورانیت قرن بیستم در این است که شرائط ضروری از جهات مادی و معنوی برای تحقق وحدت عالم انسانی در آن بوجود آمده است.

معانی نور:

اما باید متذکر باشیم که نور و انوار در آثار مبارکه به معانی مختلف استعمال شده و مصادیق مختلف از آن اراده کرده اند. از مطالعه کتب آسمانی برمیآید که نور بضرورت باید بعد از ظلمت بیاید Post Tenebras Lux و این مطلب هم در جهان مادی صادق است و هم در دنیای روحانی و این مضمونی است که در انجیل، قرآن، ریکودا و متون دیگر دینی فراوان آمده است و میدانیم که در آئین زردشتی نور و ظلمت همواره در پیکار هستند تا سرانجام نور غلبه کند.

یک معنای نور در کتب مقدسه معرفت است. به فرموده قرآن مجید معرفت الهی چون نوری است که خدا در دل هر کس بخواهد می افکند " العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء " روشنی و نور میتواند رمز حیات ، رستگاری و نیکبختی باشد که خداوند به پیشتر ارزانی داشته است. مثلاً در مزامیر میخوانیم که ای خداوند نور چهره خویش را بر ما بر افروز ( در متن چاپی برافراز آمده است) (مزمور ۷/۴) یا نزد تو چشمه حیات است و در نور تو نور را خواهیم دید (مزمور ۱۰/۳۶) یا نور برای عادلان کاشته شده است و شادمانی برای راستدلان (۱۱/۹۷) خدا خود روشنی است چنان که در مزامیر ۱/۲۷ آمده که خدا نور من و نجات من است از که بترسم. یا در اشعیا ۱۹/۶۰-۲۰ که معطوف به ایام واپسین و ظهور حضرت بهاءالله است مذکور: " و دیگر آفتاب در روز نور تو نخواهد بود و ماه با درخشندگی برای تو نخواهد تابید زیرا که یهوه نور جاودانی تو و خدایت زیبایی تو خواهد بود(۲) و بار دیگر آفتاب تو غروب نخواهد کرد و ماه تو زوال نخواهد پذیرفت زیرا که یهوه برای تو نور جاودانی خواهد بود و روزهای نوحه‌گری تو تمام خواهد شد" در قرآن مجید هم ذکر الله نور السموات و الارض مسطور است و نیز وعده و اشرفیت الارض بنور ربها آمده است.

در کتب مقدسه از قانون خدا نیز بکلمه نور تعبیر شده زیرا آن قانون روشنی در برابر راه مردم است مزامیر می گوید: (۱۱۹/۱۰۵) کلام تو برای پاهای من چراغ و برای راههای من نور است. اشعیا (۳/۲) و (۵) نیز کلام خدا را نور و روشنی خوانده است. یوحنا (۱۲/۸ و ۵/۹) میگوید که مسیح نور جهان است لذا مؤمنان نیز باید چنین باشند. متی (۱۴/۵) میگوید مؤمنان باید نور مسیحانی را در وجود خود انعکاس دهند. در یوحنا (۱۲/۸) آمده که عیسی باز بدیشان خطاب کرده گفت: "من نور عالم هستم کسی که مرا متابعت کند در ظلمت سالک نشود و بلکه نور حیات را یابد" و نیز از قول آن حضرت آمده یوحنا (۵/۹) "مادامیکه در جهان هستم نور جهانم" ناگفته نماند که موعود(مسیح-ماشیا) هم میبایست نور را با خود بیاورد چنانکه در اشعیا نبوت شده است: (۲/۴۶) "من که یهوه هستم ترا به عدالت خوانده‌ام و دست ترا گرفته ترا نگاه خواهم داشت و ترا عهد قوم و نور امتها خواهم گردانید"

در آثار بهائی چون مکاتیب مبارکه حضرت عبدالبهاء نیز معانی متعدد نور را میتوان مشاهده کرد:

نور بمعنی ظهور الهی: "و اشرق النور و أضاء الطور" (منتخباتی از مکاتیب جلد اول ص ۱۳) یا "شکر کنید که در یوم اشراق توجه به نیر آفاق نمودید و مشاهده انوار کردید. از نور حقیقت نصیب بردید" (که در اینجا نور بمعنی معرفت بکار رفته) و نیز "الحمد لله الذی اشرق بنوره الارض و السماء" (ص ۳۶). ملکوت نورانی قاعده ملکوت ایمان است آنجا که میفرماید "شکر کن خدا را که بملکوت نورانی راه یافتی" (ص ۵۱). کلام الهی به نور تشبیه شده: " فیض و انوار کلمه جهان را روشن نماید" (۵۸). کمالات الهی را نور دانسته "نور کمالات الهیه" (ص ۸۵) به همین معنی است و حتی فرموده‌اند: "ای حزب الله همتی بنمائید بلکه این عالم انسانی نورانی گردد" (۶۹). انسان را به شمع تشبیه فرموده‌اند "شمع خاموش بودید روشن گشتید" (۱۹۰) و فرد مؤمن را به شعاع آفتاب "چون انوار ساطع از آفتاب حقیقی قلوب اهل عالم را منور کنید" (۲۵۶) و نیز "شعاع چون بافتاب رسد محو و فناگردد" (۷۴). حاصل این تفصیل آن که کلمات قرن انوار میتواند به معنی قرن اشاعه کلام الهی (انتشار امر مبارک در سراسر عالم که بخصوص بمدد نقشه جهادکبیر سالهای ۱۹۵۳-۱۹۶۳ تحقق پذیرفت) باشد. (۳) و نیز قرن انوار می تواند قرن پیشرفت معارف

علمی- قرن ارانه قانون خدا (کتاب مستطاب اقدس که در نیمه دوم این قرن ترجمه و نشر یافت) و نظائر آن باشد ضمناً میتواند قرنی باشد که در آن نخستین شمع های وحدت چنان که خواهم آورد روشن شده و ظلمت غلیظ عالم را از پیش دیده‌ها برداشته است.

تمثیل شمع: شمع و شمعدان هم در کتب مقدّسه و هم در آثار ادبی به معانی لطیف و دقیقی بکار رفته است. شمعدان در ادیان مختلفه مظهر نور روحانی و بذر حیات و رستگاری بوده مانند شمعدان هفت شاخه نزد یهود که هفت شاخه محتملاً رمز هفت آسمان است نیز گویند که شاخه‌ها یادآور شجره بابلی نور هستند بر طبق سفر خروج (۳۱/۲۵-۳۳) این شمعدان را از طلای خالص می‌ساختند و نام آن منوراه **Menorah** بوده. شمعدان (و در نتیجه شمع) در حقیقت رمز و نماد(سمبول) خدا و نور خدا برای آدمیان بوده است از این رو در سفر مذکور خدا با چنان دقتی وصف هدایائی را که باید بنی اسرائیل بیاورد از جمله شمعدانی از طلای خالص به حضرت موسی بیان کرده است. در مکاشفات یوحنا هم سخن از شمعدان آمده (۲۰/۱) و به هفت فرشته آسمان نیز تعبیر و تفسیر شده است.

بکار آمدن رمز شمع در لوح مبارک میتواند متضمن معانی متعدد باشد: نخست آنکه هر چند شمع بالقوه آتش و نور است ولی محتاج بدست افروزنده است پس اراده و کوشش بشری نیز در روشن کردن انوار وحدت دخالت و اثر قاطع خواهد داشت.

معنی دوم شمع که در ادبیات فارسی بر آن تأکید شده فداکاری و جان فشانی است که تا شمع از خود مایه نگذارد و نگذارد موجب روشنایی جمع نخواهد شد و البته استقرار وحدت در عالم مستلزم فداکاری و از خود گذشتگی است.

معنی سوم محتملاً تدرّج است در روشن شدن عالم. حضرت عبدالبهاء میفرماید "مانند بارقه صبح این نورانیت عظیمه آثارش از افق عالم نمودار گشته" بزبان دیگر نورانی شدن جهان به انوار وحدت امری تدریجی است کما اینکه تاریکی آسمان در شب یک باره و ناگهان بروشنی روز تبدیل نمیشود. از توضیحات بیت العدل اعظم الهی بر میآید که هر چند وحدت خط و زبان که در مرتبه هفتم ذکر شده علامت بلوغ یعنی کمال عالم انسانی است معذک هفت شمع وحدت به ترتیب تحقق زمانی مذکور نیامده‌اند و عنقریب در این گفتار خواهیم دید که همه هفت شمع در قرن حاضر روشن هستند اما بالا گرفتن شعله آنها و نور بخشیدن به سراسر عالم ضروراً امر تدریجی خواهد بود و در آینده ایام این جریانات متوازی بهم خواهند پیوست و مصداق و اشرف الارض بنور ربّها کاملاً تماماً تحقق خواهد پذیرفت.

انتخاب تمثیل شمع بعنوان رمز وحدت متضمن یک اندیشه لطیف باریک دیگر هم هست و آن اینکه خود شمع عدد (۱) را که واحد باشد ارانه میکند در شمعدان هم بگفته فیلون (۴) یک محور یا ساقه مرکزی هست (مانند شمع منفرد) که رمز خورشید است و شاخه‌ها چون کواکب برگرد آن قرار گرفته‌اند در مورد خود شمع هم این تفسیر را میتوان بکار برد: در وسط زبانه و تنه شمع است ولی برگرد آن هاله نور واقع شده هرگاه فی المثل شمع سوم (وحدت آزادی) را بررسی کنیم چون شمعدانی واحد است که شاخه‌هایش متعدّد میباشد شاخه‌هایی نظیر رهائی از بردگی و بندگی، الغاء حکومت جبر و دیکتاتوری در سراسر عالم، بهره‌مندی همه مردم از حقوق و آزادی‌های بشری، عدم استثمار ملتی توسط ملت دیگر یا الغاء استعمار و نظائر آن که به هاله نور برگرد زبانه شمع قابل تشبیه و تمثیل هستند.

یک معنای دیگر شمع میتواند همانطوریکه حضرت روحیه‌خانم امه‌البهاء گاه در سخنان خود فرموده‌اند این باشد که شمع گرچه کوچک و حقیر است ولی همان یک شمع کوچک حقیر میتواند ظلمت یک اطاق تاریک را از میان بردارد این سمبولیسم میتواند بذهن همه ما معانی متعددی را القاء کند از جمله آنکه اهل بها با قلت عددی (یعنی یک فرد از هر هزار سکنه دنیا) معذک خواهند توانست ظلمت عالم را بنور وجود خود و تعالیم الهی روشن کنند.

معنی دیگر آنکه علی‌رغم تراکم شدید ظلمت، اقداماتی بظاهر خرد چون هدایت یک نفس به‌امر الهی میتواند متدرجاً وضع مظلم کنونی دنیا را بروشنی بدل کند.

معنای دیگر را در آثار توینبی میتوان باز یافت اینکه وی عقیده دارد بالاخره نخبگان، یعنی افراد معدود یا اقلیت روشن بین، مردم دنیا را نجات خواهند داد. و این اقلیت منور با اعتقاد ما، اهل بهاء هستند که البته اگر بخواهند جهان را از تاریکی رهائی بخشند باید از شمع، خود سوختن یعنی از خود مایه گذاشتن و فداکاری را بیاموزند. روشنایی عالم بدون از خود گذشتگی چنین اقلیت ممتازی عملی نیست.

نخستین لمعات فجر:

چون بااستناد بیان مبارک و نیز بر پایه قانون طبیعت و مشاهده اوضاع و احوال زمان گفتیم که سیر به‌سوی وحدت کره ارض امری تدریجی است بمورد است که در اینجا با اتکا بر اقوال محققان علوم سیاسی و اجتماعی بعضی از نخستین لمعات فجر را که هم اکنون در آفاق جهان پدیدار است و نوید حرکت عالم را به‌سوی صلح اصغر یا صلح سیاسی بعنوان یکی از صور وحدت میدهد ارائه کنیم. در این مورد ذکر دوازده تحوّل بظاهر خرد که تحقق صلح در آینده را بشارت میدهد شایسته است:

(۱) سقوط دیوار برلین و پاشیده شدن امپراطوری شوروی و خاتمه جنگ سرد بین دو ابرقدرت که به‌حدود سال ۱۹۸۹ میلادی مربوط میشود.

(۲) تحولات شگفتی‌انگیز علوم و فنون و ظهور و رواج تکنولوژی نوین اطلاعات و مخابرات که عملاً مداخله دو عنصر زمان و مکان را در زندگی بشر بحداقل رسانده و پدید آمدن انفرماتیک و اینترنت که تحقق یک دنیای همه‌فراگیر یا Global را در خود منعکس میکند.

(۳) سیر همه‌جوامع عالم به‌سوی دموکراسی و تحوّل نظامات اقتصادی در جهت آزادی تجارت و رفع موانع مرزی و گمرکی.

(۴) هشیاری عمومی به جنبه جهانی مسائل محیط زیست و آلودگی آب و هوا و زمین و تباهی روزافزون و جبران ناپذیر منابع طبیعی که در تصمیمات یعنی اعلامیه و برنامه اقدامات کنفرانس سران در ریودژانیرو (۱۹۹۲) انعکاس داشت.

(۵) هشیاری تدریجی ولی متزاید نسبت بمسائل و مشکلات ناشی از رشد مادی بدور از عنصر تعادل بخش اخلاقی و روحانی که در نتیجه کیفیت زندگی و کیفیت روابط انسانی را کاهش داده و جهات فرهنگی را از ارزش انداخته و نیز توجه به‌بحرانهای پیاپی اقتصادی نظیر بحران عمیق مالی و بورسی و پولی که هم اکنون همگی گرفتار آن هستند و در نتیجه جستجوی یک نظم‌نویین جهانی که نه فقط مسائل اقتصادی و پولی بلکه جنبه‌های سیاسی و اجتماعی را شامل گردد.

۶) توسعه روزافزون نهضت‌ها و جریانات فکری و عملی از جانب خود توده‌های مردم در جهت حفظ محیط زیست (اکولوژی) و جلوگیری از گسترش اتمی و طرفداری از صلح و ممانعت از کشتارهای جمعی و حمایت از تساوی زن و مرد و غیر آن.

۷) اهمیت روزافزون موضوع حقوق بشر در حیات ملی و در روابط بین‌المللی و ظهور فکر مداخله در حاکمیت ملی کشوری به ملاحظات انسانی از قبیل منع کشتار جمعی اقلیت‌های قومی و مذهبی و رساندن مواد غذایی به گرسنگان و پدیدار شدن آنچه امروزه حقوق بین‌المللی انسان دوست **Humanitarian** خوانده میشود.

۸) هشجاری روزافزون بآنکه منابع طبیعی اکثراً "میراث مشترک کل بشریت" است و شروع مذاکرات در این زمینه بین دول از دهه هفتاد باین‌طرف بنحویکه میتوان گفت انسانیت و بشریت بعنوان یک شخصیت حقوقی مقبولیت و رسمیت عمومی پیدا کرده است.

۹) آگاهی مردم و سازمانهای بین‌المللی به مضرات فساد سیاسی، اداری، اقتصادی که متأسفانه دامنگیر بسیاری از کشورها اعم از پیشرفته و درحال توسعه است و شروع جنبشهای معطوف به "دستهای پاک" در ایتالیا، فرانسه و سرزمینهای متعدد دیگر و انعقاد کنفرانس بین‌المللی مهمی در سال ۱۹۹۸ در مورد مبارزه با فساد در همه سطوح زندگی و پایان دوره ساخت و پاخت یا مواضعه ممالک مسلط غنی با رهبران ممالک ضعیف برای استثمار اقتصادی جوامع اخیر (مانند آنچه در افریقا گذشته است).

۱۰) شروع برقراری نظام امنیت جمعی مانند اتحاد دول بر ضد عراق در موقع حمله وی به کویت و تدارک حمله به یوگوسلاوی و صربستان بعنت مظالمی که در کوسوو بر اقلیت رفته است و نظائر آن.

۱۱) آشکار شدن نارسائی دول ملی در مواجهه با مسائل خطیر بین‌المللی و بقول آقای بالادور نخست وزیر اسبق فرانسه: "پایان ملیت گرانی" (روزنامه لوموند مورخ اول اکتبر ۱۹۹۸) و هشجاری تدریجی بضرورت تقویت نهادها و میثاق نامه‌های بین‌المللی در غیاب یک حکومت جهانی. و بالاخره

۱۲) اقتباسات روزافزون فرهنگی از یکدیگر و یک نوع گشودگی در مقابل فرهنگ‌های بیگانه که وسائل ارتباط جمعی در آن نقش مؤثری ایفا کرده و میکند که نمونه آن در طرز لباس پوشیدن (مثل **Blue jean**) و علاقه به موسیقی‌های مدرن (جاز و غیر آن) و نظائر آن مشاهده میشود.

اساس استدلال این بنده در این سخنرانی این است که:

اولاً \_ در همین قرن اخیر حرکتی بیش و کم متوازی به‌سوی مقاصد مذکور یعنی وحدت‌های هفت‌گانه آغاز شده است و هرچند هیچکس نمی‌داند که این نهرها کی بهم خواهند پیوست و دریای وحدت عالم انسانی را پدید خواهند آورد معذک علی‌رغم پافشاری ظلمت دیرینه، مشاهده نخستین لمعات بامدادی بر دیدگان بیدار و بینا دشوار نیست.

ثانیاً \_ حرکت بسوی وحدت در زمینه‌ای ناچار در تحقق وحدت در زمینه‌های دیگر مؤثر خواهد بود.

ثالثاً \_ سیر به‌سوی وحدت مقارن با سیر بسوی تکثر و تفرق روی خواهد داد و از برخورد این دو قوه متضاد چنان که در آثار مبارک حضرت ولی‌امرالله مفضلاً بیان شده چاره و گریز نخواهد بود. هرچند که در مورد پایان خوش این دیالکتیک یا جدل روحانی جهانی نیز تردید و تأمل مورد نخواهد داشت.

در زمینه حرکت به‌سوی وحدت سیاسی می‌توان از تشکیل سازمان ملل متحد و مؤسسات وابسته به آن، پایان جنگ سرد و خاتمه تنش و کشمکش بین دو ابرقدرت، سیر ممالک عضو سابق جماهیر شوروی

به‌طرف استقلال کامل و دموکراسی، حرکت اروپا به‌سوی وحدت اقتصادی همراه با مقداری توافق‌های سیاسی، افزایش نقش سازمان‌هایی چون کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا (CSC)، آغاز فعالیت‌های سیاسی و نظامی در جهت حفظ امنیت جمعی چنانکه بدان اشارت رفت و مانند آن یاد کرد.

در زمینه حرکت به‌سوی وحدت افکار در امور مهم چنانکه بیت‌العدل اعظم الهی در دیباچه پیام رفاه عالم انسانی تصدیق فرموده‌اند از تشکیل کنفرانس‌های مهم سران جهان در مسائلی چون کودکان \_ زنان \_ محیط زیست و توسعه \_ جمعیت یا دموگرافی و به‌کنار نهادن مبارزات ایدئولوژیکی قدیم و حصول اتحاد نظر چون مبارزه با فقر و بیکاری، پیکار با تروریسم و خشونت و آدم‌کشی و استثمار آدمیان، تعدیل افزایش جمعیت، صیانت محیط زیست و طبیعت و حتی آزادی تجارت بین‌المللی که بیش از پیش مورد موافقت ملت‌ها قرار می‌گیرد می‌توان سخن گفت.

در زمینه حصول وحدت یا همسانی در آزادی می‌توان ذکر مبارزه با بردگی و الغاء آن، استقلال تدریجی ملت‌های مستعمره سابق که در حدود ۶۰ تا ۷۰ مورد آن زیر نظر شورای قیمومیت از پایان جنگ جهانی دوم تا کنون تحقق پذیرفته‌است، صدور و قبول اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) و میثاق‌نامه‌های حقوق مدنی \_ سیاسی \_ اجتماعی \_ اقتصادی و فرهنگی (۱۹۶۶) و تصویب اعلامیه‌های مهمی چون الغاء همه‌صور و انحاء تبعیض نژادی (نوامبر ۱۹۶۳) \_ الغاء همه انواع عدم تساهل و تبعیض مذهبی (نوامبر ۱۹۸۱) \_ پذیرش میثاق‌نامه در مورد حذف و الغاء همه صور تبعیض در مورد زنان (ژوئیه ۱۹۸۰) \_ میثاق‌نامه بر ضد شکنجه و سایر مجازات‌ها و رفتارهای خشونت آمیز و بی‌رحمانه و غیر انسانی و ذلت‌آور (دسامبر ۱۹۸۴) \_ اعلامیه جهانی مخصوص بقاء و حفظ و رشد کودک (سپتامبر ۱۹۹۰) و میثاق‌نامه حقوق کودک (ژانویه ۱۹۹۰) \_ میثاق‌نامه در مورد پیشگیری و منع کشتار جمعی Genocide (دسامبر ۱۹۴۸) و نظایر آنها را مطرح کرد و البته سیر ساخت‌های حکومتی بسوی دموکراسی که قبلاً اشارتی بدان رفت نیز در شمار این گرایش‌ها است.

در زمینه وحدت مذهبی می‌توان اشاره به‌کوشش‌هایی کرد که مؤسسه‌های نوین‌پدید چون شورای تقریب کلیساها (۱۹۴۸) \_ نهضت بین‌الادیان Interfaith \_ و پارلمان جهانی ادیان (۱۸۹۳ تا ۱۹۹۳) و برخی دیگر، تقریباً سه‌ربع قرن بعد از صدور فرمان سلطان امکان (عاشروا مع الادیان کلها بالروح و الریحان \_ کتاب مستطاب اقدس) عهده‌دار شده‌اند. عالم علوم دینی هانس کونگ Hans Kung و همکارانش اخیراً سعی دارند که ارزش‌های اخلاقی مشترک بین ادیان را پیدا کنند و براساس آن صلح بین دیانت‌های گوناگون را که گاه در کشمکش هستند بنیان نهند، صلحی که بدون آن صلح جهانی مقدور نخواهد بود حتی کلیسای کاتولیک نیز باوجود اعتقاد همیشگی به‌انحصار حقیقت، دست دوستی بسوی ادیان دیگر دراز کرده‌است.

اما وحدت ملت‌ها و وحدت وطنی نشانه‌های اولیه‌اش با وجود رجعت بعضی اقوام و ملل به‌مفاهیم گذشته ملیت‌پرستی و قوم‌پرستی بخصوص در افکار پیشروان جوامع نمودار شده‌است. امروز اندیشه شهروندی جهانی World Citizenship اندیشه‌ای غریب و نا‌مأنوس نیست و هم‌اکنون در هم طرفداران حکومت جهانی و صلح‌دوستان بدنبال آن هستند کتاب معروف ادگار مورن Morin جامعه‌شناس فرانسوی La Terre - Patrie که یادآور مضمون بیان جمال مبارک است (که کره زمین وطن همه ابناء بشر

است) بر این معنی دلالت دارد. برای نسل جوان که دانماً با اینترنت و ای‌میل و فکس سر و کار دارند مسأله مکان و وطن براستی امری ثانوی شده‌است.

در زمینه وحدت نژادی رواج روزافزون ازدواج‌های میان نژادهای مختلف را میتوان گامی نخستین شمرد امری که در زمان حضرت مولی‌الوری لاقلاً بین نژاد سیاه و سفید بسیار نادر بود و حضرتش خود در این مورد مشوق احبّاء بودند.

در زمینه وحدت زبان میتوان گفت که هم‌اکنون زبان انگلیسی نقش زبان بین‌المللی را عملاً پیدا کرده (بخصوص در مخابرات و تجارت) و به‌موازات آن زبانی چون اسپرانتو که در حدود ۱۸۸۷ توسط دکتر لودویک زانهوف لهستانی ساخته شد رواج بسیاری یافته و منشأ تألیف و ترجمه چند ده هزار کتاب (سی هزار تا ده دوازده سال قبل) گردیده‌است.\*\*

هرقدر حرکت اجتناب‌ناپذیر به‌سوی وحدت‌های هفتگانه قوت و سرعت می‌گیرد ناچار بر مقاومت و مقابله قوای مخالف نیز افزوده می‌شود. جنگ‌های درون ملت‌ها بین اقوام و طوائف و ادیان مختلف که تا دیروز همزیستی مسالمت‌آمیز داشتند چنان که در رواندا \_ یوگوسلاوی \_ و چند کشور دیگر دیده‌ایم نمونه‌ای از این قوای مخالف است که هرچند ممکن است عظیم و شدید و خطیر جلوه‌کنند اما بی‌گمان سیر امور بسوی جهانی شدن و وحدت در سطحی والاتر و وسیع‌تر حاصل کردن را باز نخواهد داشت. کما آنکه بازگشت بعضی جامعه‌ها به‌بنیادگرایی و تعصب غلیظ مذهبی از یک‌سوی و بی‌قیدی بسیاری از جوامع دیگر نسبت به‌مذهب و اخلاقیات ناشی از آن، سیر محتوم عالم را به‌سوی هشجاری به ضرورت دین و روحانیت و اخلاق نوینی برای تحقق نظم درونی و برونی انسانیت، دینی و روحانیت و اخلاقی که هم واجد قدرت خلاقه است و هم منطبق با نیازها و دعاوی دنیای امروز مانع نخواهد گشت.

\* از دستخط دارالانشاء ساحت رفیع معلوم آمد که مخاطب خانم وایت و تاریخ صدور ۱۹۰۶ میلادی بوده‌است.

\*\* زبان مصنوعی دیگر ولاپوک Volapuk بود که هفت سال قبل از اسپرانتو بر اساس زبان انگلیسی و زبان‌های رومی توسط جوهان مارتین Schleyer شلیر کشیش آلمانی پیشنهاد شد. یادداشت‌ها:

۱ \_ باستناد این بیان مبارک: " شمع پنجم وحدت وطن است در این قرن این اتحاد و یگانگی نیز بنهایت قوت ظاهر شود و جمیع ملل عالم عاقبت خود را اهل وطن واحد شمرند"

۲ \_ میدانیم که کلمه بهاء هم بمعنی نور هم زیبایی و هم شکوه‌است

۳ \_ حضرت عبدالبهاء از بدو ولادت حضرت شوقی‌ربانی تنور عالم را از وجه صبیح ایشان پیش‌بینی فرموده بودند "یتأللو وجهه تآلوا یتنور به الآفاق" رک مقاله این بنده: جایگاه حضرت شوقی‌ربانی در تاریخ امر بهائی- خوشه‌هانی از خرمن ادب و هنر جلد ۹.

۴ \_ از یهودیان بنام که در قرن دوم میلادی میزیست و تنها کسی است از یهودیان که خواسته محتویات تورات را با فلسفه یونان وفق دهد.